

برنامه ایران برای روز خروج آمریکا از برجام

دربابان علی شمخانی نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و دبیر هیأت نظارت برجام است که سابقه تصدی وزارت دفاع دولت اصلاحات را در کارنامه دارد.



دربابان علی شمخانی نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و دبیر هیأت نظارت برجام است که سابقه تصدی وزارت دفاع دولت اصلاحات را در کارنامه دارد.

او سال‌ها دوران دفاع مقدس را هم در صحنه نبرد بوده و این روزها نیز با عنوان مقام عالی هماهنگ‌کننده اقدامات سیاسی، نظامی و امنیتی ایران با سوریه و روسیه، ارشدترین مسئول کشور در مقابل با تروریسم تکفیری به شمار می‌رود. شمخانی در مصاحبه با خبرنگار هم‌شهری آخرین وضعیت همکاری‌های ایران با روسیه و سوریه در مبارزه با داعش و نیز مقابله با اقدامات تحریمی آمریکا را تشریح کرده که در ادامه می‌خوانید:

با توجه به نقش مهم ایران در مبارزه با تروریسم در سوریه و عراق ارزیابی شما از آخرین تحولات میدانی عراق چیست؟

موضوع امنیت امروزه قابل انحصار به امنیت فیزیکی و یا محدود شدن در یک محیط جغرافیایی خاص نیست. امنیت بیش از آنکه عینی باشد، ذهنی است و بیش از آنکه محصول کار یک دستگاه یا نهاد و شخص باشد، محصول همکاری مشترک و جمعی است. بر این اساس حضور جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه ضمن اینکه با هدف مقابله با تروریسم در کشوری فراتر از مرزها محسوب می‌شود، اما به شکل مستقیم به امنیت ایران نیز مرتبط است.

حضور چند عنصر تروریستی که اقدامی فاقد ارزش و کور در مجلس شورای اسلامی و حرم امام راحل (ره) انجام دادند یک نمونه است که نشان داد جامعه و بلکه کشور به لحاظ روانی می‌تواند درگیر ابعاد احساس ناامنی شود. این شرایط چند سال است که در مقیاسی فوق تصور در سوریه و عراق حاکم است. تروریست‌ها تنها عملیات انجام می‌دهند بلکه برای خود دولت تشکیل داده‌اند، انبارهای عظیمی از سلاح و مهمات در اختیار دارند و مهم‌تر از آن حمایت‌های مالی، اطلاعاتی و انسانی نیز از آنها به عمل می‌آید.

لذا پیروزی بر تروریسم در عراق که دولت خودخوانده در موصل تشکیل دادند یک دستاورد بسیار مهم محسوب می‌شود که ارزش و موفقیت آن فراتر از مرزهای عراق است. البته این نبرد به پایان نرسیده است و اصولاً باید مبارزه با تروریسم در عراق را به قبل و بعد از آزادسازی موصل تقسیم کرد که هر مرحله مشخصات و الزامات خاص خود را دارد.

و آیا آزادی موصل تأثیری بر عملیات ضدتروریسم در سوریه خواهد داشت؟

برای اینکه ارزش این اقدام در مرحله فعلی بیشتر مشخص شود بگویم که آمریکایی‌ها برآورد روشنی از امکان آزادسازی موصل نداشتند و زمان حدود 7 سال را پیش‌بینی می‌کردند. ضمن اینکه حضور ائتلافی متشکل از بیش از 60 کشور را نیز ضروری می‌دانستند. اما با فتوایی که مرجعیت دینی عراق به ویژه آیت‌الله سیستانی برای جهاد با تروریسم دادند و همچنین تشکیل نیروهای الحشد الشعبی در کنار ارتش عراق و تمرکز و حمایتی که دولت عراق داشت نهایتاً موصل در مدت چند ماه آزاد شد.

با توجه به هم‌مرز بودن استان نینواي عراق با سوریه و محدود شدن قدرت داعش در عراق بر کاهش توان آنها در سوریه هم اثرگذار بوده و ان شاءالله بعد از بازپس‌گیری موصل، روند نابودی تروریسم در سوریه نیز با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت.

باتوجه به اعلام تاریخ 25 سپتامبر به عنوان زمان همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق، مقامات ارشد ایران و

برخی کشورها در این رابطه اعلام موضع کرده‌اند؛ شما به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران ارزیابی‌تان از این تحولات چیست؟

یکی از مولفه‌های قدرت، بحث ژئوپلیتیک و وسعت سرزمینی است. انسجام داخلی و وحدت سیاسی نیز مولفه مهم دیگر در قدرت یک کشور است. ثروت، توان اقتصادی، دسترسی به منابع انرژی، نیروهای مسلح و امثال آن نیز در مراتب بعدی قرار دارند که میزان قدرت یک کشور را نشان می‌دهند. تقسیم شدن عراق تمام این عوامل و مولفه‌های قدرت را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد و واضح است که عراق تقسیم شده هرگز با قبل از آن یکسان نخواهد بود.

کردهای عراق امروز در حاکمیت عراق حضور مؤثر و گسترده‌ای دارند و علاوه بر آن با محدودیتی در برخورداری از منابع اقتصادی در مقایسه با دیگر استان‌ها و مناطق عراق نیز مواجه نیستند. اعتقاد ما این است که اختلاف کردها با دولت مرکزی عراق در چارچوب قانون اساسی عراق قابل حل و فصل است.

برداشت ما این است که موضوع همه پرسش‌های پیشتر مبنایی برای امتیازگیری در رقابت‌های سیاسی داخلی شده و طرح آن اشتباهی راهبردی است که با تشویق و تحریک دشمنان عراق نیز همراه است. به‌ویژه رویکرد رژیم صهیونیستی در این خصوص بسیار حائز اهمیت است.

به‌عنوان مقام عالی هماهنگ‌کننده میان ایران، روسیه و سوریه در موضوع مبارزه با تروریسم نظرتان نسبت به آخرین روند مذاکرات موسوم به آستانه و نتایج آن و تلاش‌هایی که برای مذاکره با معارضان شده است، چیست؟

آنچه در یک مذاکره همواره مدنظر دیپلمات‌ها و دستگاه‌های سیاست خارجی است، اراده و قصد تحقق اهداف ترسیم شده برای نشست‌هاست. اگر مذاکره برای مذاکره باشد صرفاً فرصت‌سوزی است. هرچند در عرف دیپلماسی برای قطع نشدن نشست‌ها گاهی لازم است به حداقل‌ها نیز اکتفا شود. مذاکرات ژنو این خلأ را داشت که صرفاً در مقاطع زمانی که تروریست‌ها در تنگنا قرار می‌گرفتند و برای ایجاد فضا و تنفس برای آنها توسط سازمان ملل تشکیل می‌شد اما هیچ نتیجه عملی و ملموسی به همراه نداشت.

لذا مذاکرات آستانه شکل گرفت و از رهگذر آن بزرگ‌ترین دستاورد سیاسی از ابتدای شکل‌گیری بحران در سوریه یعنی برقراری آتش‌بس پایدار در بخش زیادی از مناطق نبرد حاصل شد. علاوه بر این بررسی وضعیت گروه‌های مسلح و مناطق آنها و همچنین اقداماتی که می‌تواند باعث نجات جان غیرنظامیان باشد و همچنین تعیین مناطق کاهش تنش بخش‌های مهم دیگری از خروجی مذاکرات آستانه است.

مذاکرات آستانه می‌تواند تأثیری بر دیگر گفت‌وگوها و بین‌المللی در حوزه سوریه داشته باشد؟

معتقدیم این مذاکرات آستانه بود که باعث شد سازمان ملل و طرف‌های دیگر نیز فعال‌تر در حوزه سیاسی وارد شوند. هرچند نباید منکر اثرگذاری دستاوردهای میدانی همچون آزادسازی حلب بود اما نبرد در سوریه در نهایت پایستی به‌صورت سیاسی تمام شود. تلاش زیادی صورت گرفت تا معارضان دیدگاه‌های خود را به حکومت منتقل و پاسخ‌های لازم را نیز دریافت کنند. در مواردی نیز نتایج مفیدی داشت که از جمله تسلیم و خارج شدن بخشی از معارضه از شهرها و روستاها و اشغال شده را می‌توان نام برد.

پیش‌بینی شما از ادامه مذاکرات آستانه چیست؟

لازم است در این رابطه به نکته مهمی در این بخش اشاره کنم و آن عدم‌تأمیل آمریکا و متحدینش به اتمام بحران در منطقه است. آنها به دنبال هزینه کردن سرمایه کشورهای مسلمان و ویران کردن زیرساخت‌های این کشورها برای به یغما بردن منابع آنها هستند. متأسفانه برخی کشورهای منطقه نیز با این راهبرد آمریکا همراهی می‌کنند. لذا مسیر مذاکرات قطعاً به سهولت پیش نخواهد رفت و با کارشکنی و مانع‌تراشی‌هایی از سوی حامیان تروریست‌ها مواجه خواهد شد.

اخیراً رئیس‌جمهور فرانسه اعلام کرده تغییر اسد دیگر شرط این کشور نیست. این دیدگاه چه کمکی به پیشرفت

مذاکرات صلح خواهد کرد و فکر می‌کنید سایر کشورها هم به این تغییر دیدگاه رسیده‌اند؟

به نظر من مدت‌هاست که گزینه تغییر بشمار اسد در سوریه کنار گذاشته شده است و کشورهای زیادی به صورت آشکار و پنهان این مسئله را پذیرفته‌اند. این خطای محاسباتی از سوی آمریکا در ابتدای بحران سوریه دنبال می‌شد که احساس می‌کرد با تروریسم وارداتی و فشارهای اقتصادی و تحریم می‌توان دولت سوریه را ساقط و حکومتی وابسته و مورد پسند غرب را روی کار آورد تا به زعم خود محور مقاومت را تضعیف کنند. اما نتیجه این شد که این تروریست‌ها پس از چند سال ناکامی به کشورهای خود بازگشتند و موجی از ترور را از جمله در اروپا به راه انداختند. هزاران آواره از سوریه به اروپا پناهنده شدند و اروپا را با پذیرش آنها مواجه ساختند. اکنون دولت سوریه محکم‌تر از گذشته به کار خود و مقابله با تروریست‌ها ادامه می‌دهد.

و پاسخ شما به دیگر کشورهایی که درباره آینده سوریه پیش‌بینی می‌کنند؛ شرط می‌گذارند؟

اینکه آمریکا یا برخی دیگر از کشورها تلاش کنند به جای مردم سوریه تصمیم بگیرند یا بگویند چه کسی حق کاندیدا شدن دارد یا ندارد، مغایر با اصول دموکراسی و حق تعیین سرنوشت ملت‌هاست. اگر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی همچنان به دموکراسی و بازگشت آرامش به سوریه می‌اندیشند، باید با کمک به نابودی گروه‌های تروریست، زمینه اعمال آرای مردم را فراهم آورند و صندوق‌های رأی را به‌عنوان معیار و راهگشای آینده سیاسی در این کشور بپذیرند. به نظر ما دموکراسی از لوله تفنگ و مسیر نظامی‌گری حاصل نمی‌شود.

روند همکاری‌ها با روسیه در بحران سوریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

صرف‌نظر از انگیزه‌های روسیه برای نقش‌آفرینی نظامی در معادلات سوریه، باید گفت ورود آنها به این پرونده، موازنه میدان را به نفع سوریه تغییر داد. اما بیش از آن نقش روسیه را به‌عنوان یکی از 5 عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، باید در تحولات سیاسی مربوط به سوریه و ایستادگی در برابر آمریکا جست‌وجو کرد. روسیه با تمام قدرت به پیروزی در سوریه می‌اندیشد.

این رویکرد علاوه بر دستاوردهایی که برای مردم سوریه داشته به توانمندی‌های این کشور در برابر آمریکا در سایر معادلات نیز کمک کرده است. امروز همکاری‌های ایران و روسیه در قالب دو هم‌پیمان راهبردی ادامه دارد و این هم‌پیمانی آثار مثبتی در تحولات منطقه و حوادث سوریه در برداشته است. در یک جمع بندی کوتاه می‌توان گفت، تأثیر جمهوری اسلامی ایران در معادلات میدانی مؤثرتر و توانمندی روسیه در عرصه سیاسی عمیق تر است.

این ظرفیت‌ها در کنار یکدیگر توازن تحولات را به نفع محور مقاومت افزایش داده است و این روند با تقویت همکاری‌های میدانی و هماهنگی‌های سیاسی روبه‌افزایش ارزیابی می‌شود.

یک سال قبل موضوع استفاده روسیه از پایگاه شهید نوژه را داشتیم که بعدها جناب‌عالی مجوز موردی مجدد برای روس‌ها را مطرح کردید. آیا روس‌ها در خواستی در این رابطه داشته‌اند؟

طبیعتاً استفاده از پایگاه هوایی و فضای ایران یکی از ظرفیت‌های قابل اشتراک برای تحقق اهداف راهبردی است و در صورت نیاز به‌صورت موردی در خصوص آن تصمیم‌گیری خواهد شد.

توان موشکی کشور در دوران مسئولیت جناب‌عالی در وزارت دفاع تحول شگرفی داشت. توان موشکی کشور با توجه به شناختی که دارید از بعد بازدارندگی در چه وضعیتی قرار دارد؟

قدرت موشکی ایران برای دشمنان بیش از داخل کشور شناخته شده و هراس آور است و از این حیث در برابر بسیاری از تهدیدات بازدارنده بوده است. با توجه به اینکه ما در تأمین امنیت و خودمان تکیه داریم و مانند برخی کشورهای ضعیف منطقه نیازمند جلب حمایت‌های سیاسی و یا انبارداری تسلیحات آنها و هزینه‌های فوق‌العاده نیستیم، لذا برای هر نوع تهدیدی سلاح دفاعی منحصر به فردی را نیز طراحی و تولید کرده‌ایم. اصولاً قدرت موشکی نیز برای این فراهم شده که در شرایط مورد نیاز به درستی به کار گرفته شود.

تحليل شما از بازخورد عمليات موشكي چندي قبل سپاه در ديرالزور چگونه است؟

بعد از جنگ تا به امروز يکي از منطقي‌ترين زمينه‌ها براي به‌کارگيري قدرت موشكي ايران در عمليات موشكي اخير سپاه شکل گرفت.

اخيرا شاهد تحركاتي از سوي آمريکا درباره نقض برجام هستيم. آيا آمريکا تلاش مي‌کند ايران را وادار به نقض برجام کند؟ ايران چه استراتژي در مقابل اين بازي دارد؟

ميان برجام و ماهيت سياست‌ها و خصمانه آمريکا بايستي تفکيک قائل شد. اصولا برجام بنا نداشته و ندارد که مانعي براي کاهش دشمني آمريکا با ملت ايران باشد. ذات سياست خارجي آمريکا اعمال نفوذ و فشار به‌منظور تسليم‌سازي و تحقير کشورهاي مخالف خود است و در اين مسير تمامي ابزارهاي نامشروع و شيطاني را نيز به خدمت مي‌گيرد.

براي آمريکا مهم نيست که در ويتنام چند ميليون انسان کشته شود و يا از چه نوع سلاح‌ها و ممنوعه‌هاي براي پيش‌برد اهداف خود استفاده کند. تنها با اتکا به قدرت و ظرفيت‌ها و توانمندی‌ها و مقابله است که مي‌توان منطق هزينه - فايده آمريکا براي پيگيري سياست هائش را تغيير داد. لذا سعي ما اين است که از جميع امکانات و توان خود براي مقابله با سناريوهاي آمريکا استفاده کنيم. فرصتي که پيش روي ما وجود دارد اين است که هيچ نوع هوشمندی و ابتکاري در مجموعه هيأت حاکمه آمريکايي ديده نمي‌شود و تمام برنامه‌ها قابل حدس و پيش‌بيني است. لذا حتي پيش از امضاي برجام نيز اين رفتار آمريکا کاملا متصور بود.

سناريوهاي ايران براي مواجهه با نقض برجام از سوي آمريکا چيست؟

مجموعه اقدامات در حوزه‌ها و فني هسته‌ها، اقتصادي و سياسي پيش روي ماست که به‌صورت موازي و هماهنگ دنبال مي‌شوند. آمريکا هر بار در حوزه‌ها و فني‌ها غيرهسته‌ها و تحريمي عليه اشخاص و نهادهاي ما وضع کرده، در همان حوزه يك دستاورد جديد را رونمايي کرده‌اند؛ ما هم که بخشي از آنها رسانه‌ها و پيش‌بيني شده است.

اخيرا آمريکايي‌ها باز هم برخي افراد را مشمول تحريم قرار دادند آيا اينها نقض برجام نيستند؟

تحريم چند شخص و شرکت تقريبا هيچ اثري بر استمرار مسير يك کشور پهناور ندارد اما زمينه را کاملا براي اقدام ما فراهم ساخته و مشروعيت و حمايت بين‌المللي را به همراه داشته است.

فکر مي‌کنيد آمريکا براي برجام چه برنامه‌ها و اقدامات دارد؟

آمريکا به دنبال خروج از برجام با هزينه ايران است که قطعا اين فرصت از سوي ما در اختيار اين کشور قرار داده نخواهد شد. البته به‌صورت طبيعي ارزش برجام به‌عنوان يك توافق بين‌المللي که با قطعنامه شوراي امنيت پشتيباني مي‌شود بستگي به احترام و اجراي آن از سوي همه طرف‌ها دارد و منافع آن نيز بايد براي کشورهاي عضو قابل بهره‌برداري باشد.